

شناخت و تبیین پیشران‌های کلیدی مؤثر بر روابط ترکیه با ایران در افق ۲۰۳۵

علیرضا صحرایی*

گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

مشخصات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی موضوع: روابط بین‌الملل حوزه موضوعی: ایران و ترکیه	ایران و ترکیه از کشورهای قدیمی منطقه غرب آسیا، بازیگرانی بانفوذ با پیشینه فرهنگی عمیق و تاریخی طولانی، وارثان کشورهای قدرتمند تاریخی منطقه، و از جنبه‌های مختلف، متمایز از دیگر کشورهای منطقه هستند. هدف اصلی پژوهش حاضر شناخت و تبیین پیشران‌های کلیدی مؤثر بر روابط این دو کشور است. پرسش اصلی پژوهش چنین صورت‌بندی شده است: مهم‌ترین پیشران‌های تأثیرگذار بر روابط ترکیه و ایران در افق زمانی ۲۰۳۵م کدام هستند؟ برای پاسخ به سؤال، با رویکردی آینده‌پژوهانه از روش تحلیل آثار متقاطع استفاده شده است تا تأثیر متقابل شبکه متغیرها بررسی و جایگاه هر متغیر بر اساس ارتباط با شبکه متغیرها مشخص شود. ابزار پژوهش، پرسشنامه است و نظرهای کارشناسان حوزه ترکیه داده‌های پژوهش محسوب می‌شوند. یافته‌های پژوهش براساس خروجی نرم‌افزار میک‌مک از پیشران‌های مؤثر بر روابط ایران و ترکیه حاکی از آن است که از میان دوازده متغیر انتخابی، دو متغیر در گروه متغیرهای تأثیرگذار، دو متغیر نیز در گروه متغیرهای ریسکی، سه متغیر در گروه متغیرهای اهرمی، سه متغیر هم در گروه متغیرهای تأثیرپذیر، و یک متغیر (تقابل سیاست خارجی) هدف شناسایی شد. در نهایت، متغیر تنظیمی (نزدیکی جغرافیایی و ارتباطات) تنها عاملی است که صرفاً بیشترین تأثیرگذاری را بر سایر متغیرها دارد.

واژگان کلیدی:

افق ۲۰۳۵،

ایران،

آینده‌پژوهی،

پیشران‌ها،

ترکیه.

ارجاع به این مقاله: صحرایی ع. (؟؟؟؟). «شناخت و تبیین پیشران‌های کلیدی مؤثر بر روابط ترکیه با ایران در افق ۲۰۳۵م». مطالعات کشورها. ؟(؟): ۱-۲۸. doi:

<https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.393492.1274>

وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir

شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰ | ناشر: دانشگاه تهران



۱. مقدمه و طرح مسئله

ایران و ترکیه از کشورهای قدیمی منطقه غرب آسیا، بازیگرانی بانفوذ با پیشینه فرهنگی عمیق و تاریخی طولانی، وارثان کشورهای قدرتمند تاریخی منطقه، و از جنبه‌های مختلف، متمایز از دیگر کشورهای منطقه هستند. یکی از این تمایزها، استقلال نسبی آن‌ها از کشورهای برون منطقه‌ای در انتخاب سیاست خارجی و الگوی روابط منطقه‌ای است. باوجوداینکه بسیاری از قدرت‌های منطقه غرب آسیا نقش اکتسابی دارند، دو کشور ایران و ترکیه نقش تجویزی دارند. به‌همین علت، بر ساختار منطقه تأثیرهای جدی برجای می‌گذارند و الگوی روابط خود را مستقل از قدرت‌های فرامنطقه‌ای اتخاذ می‌کنند (پوردست، ۱۳۹۸: ۲).

در رابطه با ایران و ارتباط آن با کشور ترکیه باید گفت که این کشور در منطقه غرب آسیا با ابراز سیاست خارجی تقابلی به‌خصوص بعد از انقلاب اسلامی، به‌دنبال قرارگرفتن در جایگاه هژمون منطقه‌ای بوده است. حس تأثیرگذاری بر کشورهای همسایه در اذهان دولتمردان ایرانی شاخصی مهم برای رابطه آن‌ها با دیگر بازیگران منطقه‌ای تعریف شده است. همچنین، بعد از انقلاب اسلامی، ایران به‌دنبال ایفای نقش‌هایی بوده است که به‌تبع آن، بر روابط درون منطقه‌ای و سیاست خارجی این کشور تأثیر می‌گذارد. از طرف دیگر، ترکیه نیز یکی دیگر از کشورهای مهم منطقه غرب آسیاست که سیاست خارجی تهاجمی را با هدف دیده‌شدن در جایگاه قدرتی تأثیرگذار در محیط بین‌المللی دنبال کرده است. به‌همین دلیل، این کشور به‌دنبال ایجاد شبکه‌ای از شرکا و متحدانی است که از آن طریق بتواند نفوذ و ترجیح‌های موردنظر را در محیط بین‌المللی به‌دست آورد. وجود اهداف مشابه و رقابت بر سر آن، حوزه‌های رقابتی مشترک و نظایر آن، رابطه دو کشور را به‌سمت تعارض‌ها و کشمکش‌ها سوق داده است. البته، لازم به ذکر است که این به‌معنای نبود همکاری میان دو کشور نیست؛ اما، باید گفت که این همکاری‌ها، همکاری‌های غیرراهبردی بوده است. جایگاه دو کشور در ارتباط با تحول‌های منطقه‌ای و ائتلاف با قدرت‌های بزرگ نه‌تنها در روند تحول‌های منطقه‌ای تأثیر عمیق دارد، بلکه در سیستم‌های بین‌المللی نیز تأثیرگذار است. این دو کشور در تاریخ دیپلماسی خود با فرازوفرودهای زیادی مواجه شده‌اند، ولی این روابط به‌هیچ‌وجه در شرایط گرم، عمیق و متنوع نبوده و در بهترین حالت به‌شکل همکاری جویانه بوده است. درواقع، اگرچه دو کشور به‌دلیل ظرفیت‌های مختلف جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیکی)، جغرافیای اقتصادی

(ژئواکونومی) و جغرافیای فرهنگی (ژئوکالچری)، در بسیاری از عرصه‌ها وضعیت هم‌تکمیلی دارند، رقابت‌های سیاسی، و گاه تضاد و تقابل منافع سبب شده است تا نتوانند آنچنانکه باید و شاید از ظرفیت همسایگی استفاده کنند (کولایی و نبوی، ۱۳۹۹: ۱۶۱). ایران و ترکیه از سال‌ها قبل برای تبدیل شدن به هژمونی منطقه‌ای و کنترل جغرافیای غرب آسیا در رقابت و همکاری به سر برده‌اند و طی تاریخ، هردو طرف مقدرات متعدد و مشابهی برای نیل به این بلندپروازی داشته‌اند. هرچند طی حدود ۴۰۰ سال، هیچ جنگی بین دو طرف اتفاق نیفتاده است، روابط آن‌ها رو به تکامل هم نبوده است و دو کشور به‌عنوان وارثان امپراتوری‌های قدرتمند تاریخی، «همکاری توأم با رقابت» را سپری کرده‌اند (ساعی و محمدزاده، ۱۳۹۲: ۲).

نکته مهم این است که آهنگ پرشتاب تغییر در پویایی روابط میان کشورها و نبود نگرش و درک درست از آینده روابط، موجب شده است در جایگاه واکنش قرارگیرند و نه در جایگاه کنش. نگاه روندی به روابط ایران و ترکیه نیز نشان می‌دهد که نوسان روابط میان دو کشور باعث شده است جمهوری اسلامی ایران نتواند آنچنانکه باید و شاید و به‌شکلی نسبتاً باثبات، از ظرفیت‌های این همسایگی راهبردی استفاده کند. واقعیت این است که تعامل‌های مؤثر با همسایگان و دستیابی به موقعیت مناسب در سیاست خارجی در منطقه، به‌ویژه در قبال بازیگران هم‌طراز، نیازمند داشتن راهبرد صحیح و کارآمد برای وضعیت‌های پیش‌رو و اجتناب از قرارگرفتن در موقعیت واکنشی و منفعلانه است و پیش‌نیاز آن، داشتن تصویری از آینده‌های محتمل و فضایی تصوری پذیر از آینده برای مسئولان است، شامل گزینه‌های مختلف برای تصمیم‌گیری و پیامدهای هریک از آن‌ها پیش از تصمیم‌گیری و اقدام (نبوی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹). بنابراین، انجام‌دادن مطالعات آینده‌پژوهانه امری ضروری است تا با ارائه تصویری از آینده‌های محتمل، نه‌تنها برای سناریوهای محتمل آماده بود و هزینه تصمیم‌ها را کاهش داد، بلکه به‌سمت چشم‌انداز مطلوب حرکت کرد.

دو مسئله مهم، تحقیق درباره آینده‌پژوهی روابط ایران و ترکیه را ضروری کرده است. یکی از این ضرورت‌ها به‌لحاظ مکانی و دیگری به‌لحاظ زمانی است. به‌لحاظ مکانی، با توجه به اینکه ایران و ترکیه دو کشور همسایه و دارای مرزهای مشترک هستند، وجود ثبات یا بی‌ثباتی در روابط این دو کشور اهمیت زیادی دارد. در واقع، علاوه بر مسائل مهم دیگر که رابطه این دو کشور را تحت‌تأثیر قرار

می‌دهد، نزدیکی جغرافیایی اهمیت در خور توجهی دارد، زیرا وجود منازعه‌ها و بی‌ثباتی در مرزهای هر کشوری تهدیدهای بیشتری برای آن در پی دارد تا اینکه تهدیدها از مرزهای آن دور باشد. از طرف دیگر، وجود ثبات و امنیت در مرزهای هر کشور باعث می‌شود برای آن کشور اطمینان‌خاطر بیشتری شکل گیرد. یکی دیگر از دلایل ضرورت انجام‌دادن این تحقیق، بُعد زمانی رابطه ایران و ترکیه است. در واقع، این دو کشور رقبای قدیمی یکدیگر و هر دو از وارثان تاریخی قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای هستند که قدمت رابطه‌شان، به‌نسبت دیگر کشورهای منطقه، بیشتر است. به‌همین علت، پژوهشی با آینده‌پژوهی مناسب از روابط این دو کشور، ضرورت بسیاری دارد. بنابراین، پرسش پژوهش چنین صورت‌بندی می‌شود: مهم‌ترین پیشران‌ها و عدم‌قطعیت‌های تأثیرگذار بر روابط ایران و ترکیه در افق زمانی ده سال آینده کدام هستند؟ همچنین، به‌منظور پاسخ به این سؤال که ماهیت آینده‌پژوهانه نیز در بطن پژوهش دارد، پژوهش حاضر فرضیه‌آزما نیست، بلکه به‌دنبال کشف متغیرها و پیشران‌های مؤثر بر روابط دو کشور در افق زمانی ده ساله بوده‌ایم.

۲. چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش حاضر بر نظریه «همکاری و تعارض در چرخه قدرت» استوار است. بر پایه این نظریه، هرچند در سیاست خارجی به‌شدت نگران تعارض‌های میان دولت‌ها و معتقد هستیم که این کشمکش‌ها در نتیجه تقابل‌های مستقیم یا غیرمستقیم بر سر تعهدها و منافع و تغییر در درک تهدیدها ایجاد می‌شوند (Hulser, 2013: 6)، مانند نورثالیست‌ها، همکاری امری ناممکن فرض نمی‌شود. از منظر چرخه قدرت، تغییر در ساختار قدرت یا درک کشورها از موقعیت خود ارتباط مستقیمی با کشمکش دارد. از طرف دیگر، تا زمانی که کشورها از نظم موجود سود ببرند، سعی در حفظ ثبات آن دارند و برای مدتی در حالت سازش و همسازی قرار می‌گیرند (Lindenstauss, 2018: 45). در این شرایط کشورها به‌میزان تقاضای خود در امور بین‌المللی دخالت می‌کنند. بنابراین، براساس این نظریه، نظام بین‌الملل همواره در حالت تعارض و رقابت نیست و ممکن است گاه، هرچند موقت، با سازش و همکاری همراه شود. البته، لازم به‌ذکر است که گاه، در نتیجه تغییر در قدرت و ادراک، لزوماً جنگ به‌وجود نمی‌آید؛ به‌طور مثال، سقوط شوروی (Doran, 2012: 73-87). ازجمله دلایل آن این است

که دولت‌ها در شرایط فعلی نظام بین‌الملل، به علت وجود وابستگی متقابل، نه تنها در اقتصاد بلکه در مسائل دیگر، تنها به دنبال پیروی از منافع خویش نیستند و به حمایت‌های بین‌المللی در موضوع‌های مختلف، از جمله ایفای نقش خود، نیاز دارند. بر این اساس، کشورها ممکن است در چنین شرایطی و تحت تأثیر متغیرهای مختلف، همکاری را پیش بگیرند (پوردست، ۱۳۹۸: ۴۴).

با وجود اینکه در این نظریه به تعارض و همکاری میان کشورها اشاره می‌شود، با تکیه بر اصل عدم قطعیت، مشخص نیست که چه زمانی دقیقاً تعارض و چه زمانی همکاری شکل می‌گیرد (Chiu, 2003: 123-136). با استفاده از این نظریه فقط عنوان می‌شود، هرچه عدم قطعیت میان کشورها زیاد شود، بی‌ثباتی و در نتیجه تعارض‌ها بیشتر می‌شود. این عدم قطعیت نیز زمانی که چندین دولت به طور هم‌زمان از نقاط بحرانی عبور می‌کنند، بسیار بیشتر از زمان‌های دیگر است. در این زمان‌ها، احتمال جنگ و تعارض افزایش می‌یابد (Tugal, 2002: 133). نقاط بحرانی نیز منظور زمان‌هایی است که شکاف نقش و قدرت به اوج خود می‌رسد و جدال بر سر تصاحب نقش، تعارض‌ها را افزایش می‌دهد. حال، با توجه به آنچه گفتیم، می‌توان همکاری و تعارض را تحت تأثیر دو عامل مهم «قدرت» و «نقش» به شرح زیر تحلیل کرد:

الف) عامل «قدرت». نخستین مسئله‌ای که بر روابط کشورها در همکاری و تعارض اهمیت دارد وضعیت کشورها نسبت به یکدیگر در چرخه قدرت است. اینکه کشورها در کجای چرخه قرار دارند، احتمال تعارض و همکاری را تغییر می‌دهد. به طور مثال، در کشورهایی که در نقاط تحول قرار دارند امکان اینکه الگوی رفتاری آن‌ها به سمت تعارض حرکت کند بیشتر است؛ اما، آیا این اصل، اصلی همیشگی است؟ مسلماً خیر. آیا می‌توان گفت به طور مثال، دو کشور که به طور مشابه از نقاط انحنای اول و دوم عبور می‌کنند حتماً با یکدیگر تعارض دارند یا اینکه کشورهایی که در فازهایی غیر از نقاط عطف هستند رفتارشان براساس همکاری است؟ باز هم جواب منفی است. در واقع، حضور در نقاط بحرانی تنها احتمال افزایش الگوهای رفتاری مبتنی بر تعارض را بیشتر می‌کند (پوردست، ۱۳۹۸: ۴۵).

ب) عامل «نقش». عامل نقش یعنی کشورها با توجه به موقعیتی که در چرخه دارند و بر اساس ظرفیت‌های خود، نقش‌هایی را برای خود در نظر می‌گیرند. این نقش‌ها نقش‌های اعلامی هستند. آنچه مبرهن است این

است که کشورها در راستای نقش‌هایی که تعریف کرده‌اند، تلاش می‌کنند با دیگر کشورها در ارتباط قرار می‌گیرند. اما، مطابق نظریه نقش، نقش از قانون کنش و واکنش تبعیت می‌کند و در تعامل‌ها نقشی هویتی می‌یابد. مطابق قانون کنش و واکنش، زمانی که کشوری نقشی را عنوان می‌کند، در واکنش، کشورهای دیگر نقش‌هایی را می‌پذیرند (Walker, 2013: 2). بنابراین، ترکیبی نقشی ایجاد می‌شود. در حالت نخست، این ترکیب‌ها نیز ممکن است باعث شوند دو کشور با تعارض‌ها و تداخل‌های نقشی مواجه شوند و نقش یکی مانعی برای نقش دیگری باشد. به‌طور مثال، آمریکا و شوروی در زمان جنگ سرد، نقش‌هایی چون توسعه‌دهنده ارزش‌های جهانی، محافظ منطقه‌ای، حامی آزادی، توسعه‌دهنده و ترقی‌بخش ایفا می‌کردند که هر کدام از آن‌ها در راستای ممانعت از اجرای نقش کشور دیگر تلاش می‌کرد؛ چون نقش‌ها، به‌خصوص زمانی که در مناطق مشترک ایفا می‌شد، با یکدیگر تداخل و تعارض داشت. در حالت دوم ممکن است ترکیب نقشی به پرکردن خلأ قدرت و نقش کمک کند و باعث شود اجرای نقش تسهیل شود که به آن «مکملیت» یا «تثبیت نقشی» گفته می‌شود (Thies, 2001: 40).

این ترکیب‌های نقشی در نظریه نقش بر اساس دو عامل مهم رخ می‌دهد: متغیر و قدرت (Walker, 2013: 16). در این نظریه، موضوع‌های حاکم بر تعامل‌های کشورها تحت عنوان منافع اولیه و ثانویه دسته‌بندی می‌شوند (Malici & Walker, 2017: 9-10). با توجه به تعریفی که در این نظریه مطرح شده است، منافع حیاتی هیچ‌گاه باعث همکاری نمی‌شود و همواره تعارض به‌بار می‌آورد. منافع ثانویه نیز هیچ‌گاه موجب تعارض نمی‌شود و همکاری‌زاست. بنابراین، موضوع‌های حاکم بر تعامل‌ها یا تعارض‌آمیز است یا همکاری‌زا. در همین راستا نگارنده در تقسیم‌بندی متفاوت و کلی‌تری، منافع حیاتی را در زمره متغیرهای تعارض‌آمیز و منافع ثانویه را در دسته متغیرهای همکاری‌زا قرار داده است. بر این اساس، بسته به اینکه کدام‌یک از متغیرها بر روابط کشورها حاکم است، ترکیب نقشی صورت می‌گیرد؛ یعنی، این متغیرهای حاکم بر روابط هستند که باعث می‌شوند کشورها بر اساس نقش خاصی مقابل یکدیگر قرار گیرند. اگر متغیرها باعث ترکیب و تقویت نقش‌ها بر اساس اصل مکملیت و

تکمیل‌کنندگی در نظریه چرخه قدرت باشند، پدیده‌ای با عنوان تثبیت و تکمیل نقش ایجاد می‌شود. بر اساس اصل مکملیت، دولت‌ها در تعامل با یکدیگر هستند و توانمندی میان کشورها متناسب نیست. در واقع، ممکن است کشوری توانمندی‌ای داشته باشد که کشور دیگری آن را دارا نباشد. این مسئله باعث می‌شود که هرکدام از کشورها مانند تکه‌ای از پازل، کشور دیگری را تکمیل کنند. بر اساس این اصل، هریک از دولت‌ها چیزی را به اشتراک می‌گذارند که دیگری از آن برخوردار نیست یا به اندازه کافی به آن دسترسی ندارد (Doran, 2003: 20).

اما، اگر متغیرها نقش‌هایی را ایجاد کنند که هریک از کشورها بر سر آن با یکدیگر رقابت دارند و دیگری را مزاحمی برای اعمال نقش خود بدانند، تداخل و تعارض‌های نقشی ایجاد می‌شود که با توجه به اصل رقابت در نظریه چرخه قدرت توجیه‌پذیر است. این اصل نیز فرایندی است که در آن دولت‌ها به لحاظ رفتاری و نگرشی در برخی مسائل با یکدیگر برخورد و تصادم دارند. این برخوردها به گونه‌ای است که در این میان، بعضی چیزها ممکن است خنثی یا حذف شود و برخی عناصر این گونه ادراک می‌شود که ناکارآمد، غیرمفید یا حتی زائد هستند (ibid: 21).

اما، متغیر دیگری که در راستای ترکیب تعارض‌ها و مکملیت نقش‌ها مهم است، وضعیت تقارن قدرت کشورها نسبت به یکدیگر است. قدرت در این نظریه نیز مفهومی نسبی است و بر اساس فاکتورهای نظامی، اقتصادی، اجتماعی، حکومتی، سیاسی، سرزمینی و فرهنگی نسبت به دیگران سنجیده می‌شود. بر این مبنا، کشورها در دو وضعیت تقارن یا عدم تقارن نسبت به یکدیگر قرار می‌گیرند (Malici & Walker, 2017: 9-10). با توجه به ترکیب متغیرهای تعارض‌آمیز و وضعیت قدرت کشورها، ترکیب نقش‌ها بر اساس تعارض‌ها (تداخل‌ها) و تکمیل‌کنندگی (تثبیت) در جدول ۱ نشان داده شده است.

۳. پیشینه

در جدول ۲، به اختصار منابع مرتبط با موضوع پژوهش قید شده است.

جدول ۱. کنش و ترکیب نقشی بر اساس قدرت و متغیرها

ردیف	متغیرهای حاکم	وضعیت تقارن کشورها	تناسب قدرت خود و دیگری	تداخل / تثبیت نقش	نقش مربوط به دیگری	نقش مربوط به خود
۱	همکاری‌زا	نامتقارن	خود > دیگری	تثبیت نقش	حامی	پیرو
۲	همکاری‌زا	متقارن	خود - دیگری	تثبیت نقش	شریک	شریک
۳	همکاری‌زا	نامتقارن	خود < دیگری	تثبیت نقش	پیرو	حامی
۴	تعارض‌آمیز	نامتقارن	خود > دیگری	تداخل نقش	یک‌جانبه‌گرا	شورشگر
۵	تعارض‌آمیز	متقارن	خود - دیگری	تداخل نقش	رقیب	رقیب
۶	تعارض‌آمیز	نامتقارن	خود < دیگری	تداخل نقش	شورشگر	یک‌جانبه‌گرا

منبع: (Malici & Walker, 2017)

جدول ۲. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده/گان	دست‌آورد
۱	پوردست و همکاران (۱۴۰۴)	در این کنش، به‌علت اینکه دو کشور ایران و ترکیه در تقارن قدرت هستند، حاکم‌شدن متغیرهای تعارض به‌سمت دو نقش رقیب-رقیب و الگوی رفتاری رقابت و در نتیجه حاکم‌شدن متغیرهای همکاری به‌سمت شریک-شریک و الگوی رفتاری همکاری متمایل می‌شوند.
۲	حسین‌زاده و نصیری لتوم (۱۴۰۳)	راهگذر شمال-جنوب و راهگذر میانی با ذی‌نفعانی که هدف‌های متفاوتی را در توسعه این دو راهگذر پیگیری می‌کنند، به افزایش رقابت میان ایران و ترکیه در منطقه قفقاز منجر خواهد شد. در این زمینه، رقابت ایران و ترکیه بیشتر بر سر افزایش نفوذ سیاسی و گسترش منافع اقتصادی در منطقه است. این رقابت نسبی است و هر دو کشور تلاش می‌کنند در سطح محلی و منطقه‌ای سازوکارهایی ایجاد کنند.
۳	توحیدیان و همکاران (۱۴۰۱)	از میان چهار سناریوی محتمل، سناریوی نخست، «با خرس‌ها می‌رقصند»، بیشتر مطلوب است، زیرا به همگرایی بیشتر ترکیه با روسیه و ورود ترکیه به جبهه کشورهای تجدیدنظرطلب در نظام بین‌الملل و کاهش روابط با آمریکا و ایجاد تقابل می‌انجامد و به نفع ج.ا. ایران خواهد بود.
۴	علمدار (۱۴۰۰)	علاق و نگرانی‌های جغرافیای سیاسی کشورها در روابط خارجی، در هشت مؤلفه طبقه‌بندی می‌شود: سیاسی، جغرافیایی، جغرافیای اقتصادی، جغرافیای فرهنگی، جغرافیای راهبردی، فضای مجازی-رسانه‌ای، علمی-فناوری، و زیست‌بوم قابلیت. همچنین، طبق رتبه‌بندی مؤلفه‌ها، مؤلفه جغرافیایی بیشترین و زیست‌بوم کمترین میزان علاق و نگرانی‌های جغرافیای سیاسی را در روابط کشورها داشته است.
۵	توماچ (۱۴۰۰)	با روشی تطبیقی، بررسی جنبه‌های گفتمانی سیاست خارجی ترکیه و ایران در قفقاز نشان می‌دهد که این دو کشور با وجود اشتراک‌های موجود با موانعی بر سر راه همگرایی در آسیای مرکزی روبه‌رو هستند و بیشتر آن‌ها در حوزه‌های رقابت ایدئولوژیکی و تقابل نقش‌های جغرافیای سیاسی قرار می‌گیرند.
۶	نبوی و همکاران (۱۳۹۹)	در این پژوهش از روش سناریونویسی مبتنی بر تحلیل تأثیر متقاطع متوازن استفاده شده است. در مجموع، ۱۹ عامل اهمیت و عدم قطعیت بیشتری از ارزش آستانه داشتند. با

نویسنده/گان	دست‌آورد
	استفاده از آزمون فریدمن، هشت عامل نهایی انتخاب و حالت‌های کیفی آن‌ها مشخص شد. سپس، با تشکیل نشست خبرگان و وزن‌دهی در ماتریس تأثیر متقاطع متوازن، تحلیل نرم‌افزاری با سناریوی ویزارد انجام شد. چهار سناریو با ناسازگاری صفر و ۱۷ سناریو با ناسازگاری ۱ به‌دست آمد. با تلفیق سناریوهای نزدیک، در نهایت هفت سناریوی نهایی تدوین و تحلیل شد.
۷ موسوی (۱۳۹۹)	یافته‌های تحقیق در چارچوب نظریه سازه‌انگاری، گویای آن است که هویت و هنجارهای سیاستگذاران دولت اسلامگرای ترکیه با سیاستگذاران ایرانی در تضاد است؛ لذا، مشاهده می‌شود که نوع‌ثمنی‌گری ترکیه موجب شده است منافع دو کشور در غرب آسیا با هم برخورد یابد. ازسوی دیگر، فرصت‌های امنیتی، همکاری‌های اقتصادی و همکاری در حل تعارض‌های منطقه‌ای هم‌گرایی دو کشور را اجتناب‌ناپذیر کرده است.
۸ خیری (۱۳۹۹)	ظرفیت و ماهیت دولت در ایران در آینده چندان مقوم توسعه سیاسی نخواهد بود و چشم‌انداز روشنی برای توسعه سیاسی در ایران دیده نمی‌شود. اما، همین عنصر، باتوجه به رشد و بالندگی جامعه مدنی و نیروهای اجتماعی و اقتصاد رقابتی، موجب رشد و توسعه نسبی شاخص‌های توسعه سیاسی در ترکیه خواهد شد. هرچند، فرایند توسعه سیاسی در ترکیه طی این روند با چالش‌ها و محدودیت‌هایی نیز مواجه خواهد بود.
۹ یزدانی و همکاران (۱۳۹۹)	روابط ایران و ترکیه، پس از انقلاب اسلامی ایران، تحت تأثیر عواملی چون اسلامگرایی، رقابت در جغرافیای سیاسی، و رقابت به‌منظور هژمون منطقه‌ای، اقتصادی و سیاسی بوده است. هر دو کشور بر یکدیگر تأثیر دارند و امنیت ملی ج.ا. ایران از این کشور مهم تأثیرپذیر است. هدف از این تحقیق، شناخت ترکیه و دستیابی به مؤلفه‌ها و شاخص‌های اقتصادی مؤثر بر روابط ج.ا. ایران با کشور ترکیه و تعیین میزان تأثیر آن‌ها بر یکدیگر است.
۱۰ ساعی (۱۳۹۸)	روابط جغرافیای سیاسی در این دوره تحت تأثیر سه عامل رقابت (دفاع از اسلام و مسئله حماس، انگاره خودمحوری ایرانی و ترکی، انگاره رهبری جهان اسلام؛ تفکر امام‌القری ایرانی نوع‌ثمنی‌گرایی ترکی، الگوی اسلامی ایرانی و ترکی)، تعارض (سیاست آب، پان‌ترکیسم، حوزه نفوذ، ایدئولوژی، شیعی-سنی، نوع رابطه با غرب و اسرائیل) و همکاری (اقتصادی، انرژی و حمل‌ونقل) قرار دارد.
۱۱ نیاکویی و همکاران (۱۳۹۷)	دو کشور ایران و ترکیه بر اساس منابع هویتی، تاریخی، ایدئولوژیکی و جغرافیایی، نقش خود در سیاست خارجی را در منطقه غرب آسیا به‌گونه‌ای تعریف کرده‌اند که موجب رقابت و تقابل دو کشور می‌شود. ادارک تصمیم‌گیران ایران و ترکیه از نقش خود در منطقه این است که باید نقش‌هایی همچون «حمایت از مستضعفان»، «میانجی» و «مدل» را ایفا کنند که در بهترین حالت باعث رقابت و در بدترین حالت باعث تقابل دو طرف می‌شود.
۱۲ گل‌محمدی (۱۳۹۷)	با بررسی روندها و آینده‌های بدیل جمهوری ترکیه در افق ۲۰۲۳م، روندهای بالادستی ۲۰۲۵م مطرح شده است. همچنین، با بررسی عدم قطعیت‌های ترکیه، چهار آینده بدیل برای ترکیه در افق ۲۰۲۳م تدوین شده است. همچنین، در بررسی کوتاه روابط ایران و ترکیه، هشت سناریو برای روابط ایران و ترکیه مطرح می‌شود که در چهار سناریو، آینده روابط ایران و ترکیه در افق ۲۰۲۵م در غرب آسیا باورپذیر تلقی شده است.
۱۳ یارمحمدیان و همکاران (۱۳۹۶)	به‌لحاظ جغرافیایی، این دو کشور به‌واسطه ابهام و نااطمینانی از اوضاع شکننده غرب آسیا، به‌خصوص عراق و سوریه، هم‌زمان در مسائل سیاسی-امنیتی در مناطق مختلفی-

نویسنده/گان	دست‌آورد
	ازجمله منطقه هلال حاصلخیز شامل عراق، سوریه و کردها- تأثیرگذار هستند و به لحاظ هویتی نیز با اتصال اصول و ارزش‌های خود به مسائل منطقه‌ای، به خصوص هدایت جریان‌های ایدئولوژیک و بازیگران غیردولتی، در جهت اثرگذاری بر مناطق راهبردی در راستای خودیاری به ایفای نقش می‌پردازند.
۱۴ عظیم‌زاده اردبیلی و همکاران (۱۳۹۶)	یافته‌های تحقیق در چارچوب نظریه سازه‌انگاری گویای آن است که هویت و هنجارهای سیاستگذاران دولت اسلام‌گرای ترکیه با سیاستگذاران ایرانی در تضاد است؛ لذا، مشاهده می‌شود که نوع‌ثمنی‌گری ترکیه موجب شده است منافع دو کشور در منطقه غرب آسیا با هم برخورد یابد.
۱۵ جانسیز و صالحیان (۱۳۹۵)	بررسی مؤلفه‌ها و ویژگی‌های قدرت منطقه‌ای، با استفاده از نظریه رئالیسم نئوکلاسیک، در مقایسه دو کشور ترکیه و ایران نشان می‌دهد با اینکه زمینه بازیگری و ایفای نقش در جایگاه قدرت منطقه‌ای برای هر دو کشور در زمینه‌هایی مهیاست، هر دو کشور برای دستیابی به جایگاه قدرت برتر منطقه‌ای با چالش‌هایی نیز مواجه هستند.
۱۶ ساعی و محمدزاده (۱۳۹۲)	پس از نگرشی کوتاه به عوامل بنیادین مؤثر بر واگرایی، سعی شده است حوزه‌های رقابت در روابط دو کشور در یک دهه حکومتمداری حزب عدالت و توسعه واکاوی شود.
۱۷ مختاری و منتظری (۱۳۹۱)	روابط ایران و ترکیه، در مروری تاریخی از صفویه تاکنون، همواره بر تقابل فرصت‌طلبی و همکاری، همچنین منازعه‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای استوار بوده است. علی‌رغم عدم‌تجانس سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بین دو کشور و وجود مؤلفه‌های واگرا در مناسبات فی‌مابین، ایران و ترکیه در سیر تاریخی روابط خود در جایگاه دو کشور همجوار و دوست، تعامل‌ها و مناسبات فراوانی با یکدیگر داشته‌اند و در مقاطعی از تاریخ، زمینه‌های همکاری و همگرایی در روابط بین آن‌ها نمود بیشتری داشته است.
۱۸ Charounatki (2018)	مؤلف در این کتاب با نگاهی تاریخی به روابط ایران و ترکیه، اشاره می‌کند که برای بررسی روابط ایران و ترکیه سه سطح تحلیلی نیاز هست: سیاسی داخلی، منطقه‌ای، و بین‌المللی. در سطح داخلی باید به عواملی توجه کرد که تسهیل‌کننده سیاست خارجی و مشخص‌کننده پارامترهای رابطه دو دولت هستند. در سطح منطقه‌ای، سیاست‌های مهم ایران و ترکیه در منطقه و روابط متقابل دو کشور بررسی شده است. در نهایت، در سطح بین‌المللی، تأثیر چگونگی سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، همچنین تحول‌های جاری بر روابط دو کشور و روابط هر کشور با بازیگران منطقه‌ای (مانند عراق و سوریه)، قدرت‌های بین‌المللی (مانند آمریکا و روسیه)، و بازیگران غیردولتی (مانند کردها و سازمان‌های بین‌المللی نظیر اتحادیه اروپا) بررسی شده است.
۱۹ Akif Kumral (2020)	تعامل‌های فرادولتی بین کشورهای همسایه برپایه «قوانین احساسی» متقابل و «تبادل عاطفی» جمعی مدیریت می‌شود. ماهیت محلی هنجارهای همسایگی بیانگر وضع رسمی، دیپلماتیکی، غیررسمی و غیرقانونی قواعد رابطه در تعامل‌های دوجانبه و منطقه‌ای است. هنجارهای بین‌المللی همسایگی همواره در مفهوم جهانی قواعد عرفی و حقوقی نمی‌گنجد.

۴. تاریخچه اختلاف‌ها و دغدغه‌های ایران و ترکیه

از زمان شکل‌گیری صفویه در ایران، در قرن شانزدهم میلادی، روابط میان عثمانی/ترک‌ها-پارس/ایرانی‌ها براساس کشمکش‌ها و جنگ‌های بزرگ شکل گرفت. کشمکش قدرت در مناطق جغرافیای سیاسی، چون آناتولی و عراق، وجود داشت. منافع ترکیه در آذربایجان و منافع ایران در عراق متمرکز شده بود. این کشمکش‌ها تا اوایل جنگ جهانی اول ادامه داشت. در این دوران، با وجود ضعیف‌تر بودن قدرت نظامی ایران در مقایسه با عثمانی، ترک‌ها ایران را تهدیدی جدی علیه خود قلمداد می‌کردند؛ بنابراین، به دنبال آن جنگ‌هایی میان دو کشور رخ داد. یکی از مشکلاتی که از زمان‌های قدیم میان ایران و ترکیه به سؤالی بی‌پاسخ تبدیل شد، مسئله مرزی بود. قبایل مختلف کرد در دو طرف مرزهای دو کشور ساکن شدند و هیچ مرزی میان آن‌ها تشخیص داده نمی‌شد. هر دو کشور برای به‌دست آوردن وفاداری کردهای مقابل و اتخاذ سیاست حامی‌گرایه در قبال کردهای طرف مقابل رقابت داشتند. یکی دیگر از مشکلات دو کشور تلاش آن‌ها برای استقرار نظام شیعی و سنی در منطقه بود. مجتهدان شیعی که روزبه‌روز بر تعدادشان افزوده می‌شد در سیاست ایران نقش مهمی داشتند. از طرف دیگر، عثمانی‌ها به دنبال استقرار نظام خلافت در منطقه بودند که با تفکرات شیعی همخوانی نداشت. به‌هرحال، دو کشور در این دوران همچون دشمنی طبیعی با یکدیگر رقابت می‌کردند (Çetinsaya, 2003: 118-120).

پایان جنگ جهانی اول تحول‌های جدیدی را در داخل ایران و عثمانی رقم زد. اگرچه ریشه این تغییر و تحول‌ها به پنجاه سال قبل از آن برمی‌گشت، وقوع جنگ جهانی زمینه را برای ایجاد تغییرات اساسی در حکومت‌های ایران و عثمانی فراهم کرد. از این میان، مهم‌ترین تحول در دو کشور، روی کارآمدن افرادی بود که سرنوشت دو کشور را دستخوش تحول‌های عمیق و اساسی کردند و نقطه عطف جدیدی را در تاریخ تحول‌های داخلی و روابط دو کشور به‌وجود آوردند. با کودتای رضاخان در ۳ اسفند ۱۲۹۹ش و رهبری پاره‌ای جریان‌ها در داخل عثمانی به‌دست مصطفی کمال، که سرانجام به فروپاشی این امپراتوری و تأسیس جمهوری جدید ترکیه در سال ۱۹۲۳م منجر شد، روند مناسبات دو کشور وارد عرصه جدیدی شد. ارتباطات سیاسی و فرهنگی ایران در دوره رضاشاه با ترکیه و آتاتورک به‌نوعی حاکی از همکاری و ارتباطات بین‌المللی نوین در منطقه بود (پوردست، ۱۳۹۸: ۱۲۶).

درمجموع، پس از روی کارآمدن سلسله پهلوی، روابط ایران و ترکیه بر

مبنای روابط دوستی توصیف می‌شد. به‌باور لاور بولنت ارس، با وجود برخی تنش‌های جزئی در روابط ایران و ترکیه، در دوران رژیم پهلوی بهترین سطح روابط در زمان خود میان ایران و ترکیه به‌دست آمد (Aras, 2009: 62). دوران پهلوی که دو بازه زمانی مهم نظام بین‌الملل را دربرمی‌گرفت، یعنی دوران جنگ جهانی دوم و جنگ سرد، اساس دوستی و نزدیکی بیشتر میان ایران و ترکیه شد. این دوران مصادف با زمانی است که هر دو کشور از متحدان اصلی ایالات متحده در منطقه و از کمک نظامی گسترده آن کشور برخوردار بودند.

بعد از انقلاب ۱۹۷۹م، اختلاف‌های فلسفی میان ایران و ترکیه در ادبیات دو کشور تسلط یافت، به‌طوری‌که اختلاف‌های راهبردی تاحدی پنهان شد. در دهه ۸۰م، اکثریت حکومت ترکیه تلاش می‌کردند از انقلاب اسلامی ایران دوری کنند. سیاست خارجی ایران مبتنی بر نظرهای آیت‌الله خمینی در مقابل حکومت سکولار ترکیه بود (Akbarzadeh & Barry, 2016: 3). ایدئولوژی جدید ایران، فاصله و تفاوت‌هایی را میان این کشور با ترکیه مدرن بر مبنای تفکرات آتاتورک ایجاد کرد. یکی از تغییرات مهم در تغییر سیاست خارجی ایران، چرخش از سیاست حامی‌گرایانه از آمریکا به تضاد با هژمونی آمریکا بود. این تغییرات بر روابط ایران و ترکیه و بازتعریف آن نیز تأثیر گذاشت. علاوه بر تقسیم‌های شیعه و سنی، که به‌ویژه روحانیت اهمیت زیادی بدان می‌داد، جهت‌گیری‌های سیاست خارجی دو کشور، آن‌ها را از یکدیگر دور کرد. درحالی‌که ایران سیاست «نه شرقی و نه غربی» را اتخاذ کرد، ترکیه متحد راهبردی آمریکا و غرب و ناتو بود. انقلاب باعث شد که آمریکا بار دیگر متحدان خود را در منطقه بازتعریف کند و روابط خود را با ترکیه بهبود بخشد (Özcan & Özdamar, 2010: 105). در این شرایط که ایران مخالف نظم جهانی و در رأس آن آمریکا بود، اغلب ترکیه را کانالی برای آمریکا و دشمن خود می‌دانست (Akbarzadeh & Barry, 2016: 3).

به‌طور کلی، روابط ایران و ترکیه، بعد از انقلاب اسلامی ایران، همواره با نوعی محافظه‌کاری همراه بود، زیرا هر دو کشور از بعضی جهت‌ها از یکدیگر احساس نگرانی می‌کردند. از طرف دیگر، بحث نیاز متقابل بود. بر همین اساس، الگوی مشابهی از تعارض و همکاری در مقایسه با زمان پهلوی رخ داد (Çetinsaya, 2003: 120). تیرگی روابط میان دو کشور در این دوران طوری پیش رفت که به اخراج سفرای دو کشور و تضاد در روابط دیپلماتیکی کشیده شد. روابط میان دو کشور بر مبنای تیرگی ادامه یافت تا اینکه حزب عدالت و توسعه در ترکیه بر

مسند قدرت نشست (Aras, 2009: 63). حزب عدالت و توسعه با افزایش نقش اسلام به نوعی نگاه بدبینانه به انقلاب اسلامی ایران را کمتر کرد. از طرف دیگر، ایران با کاستن از نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی، به سمت میانه رویی حرکت و دو کشور را به یکدیگر نزدیک کرد. همپوشانی منافع دو کشور در این دوران، همکاری های گسترده را میان دو کشور در حوزه های مختلف به ارمغان آورد. با رخداد بهار عربی در سال ۲۰۱۱م، بار دیگر روابط میان دو کشور به سمت وخامت پیش رفت. تلاش دو کشور به منظور نفوذ در کشورهای منطقه و متغیرهای دخیل در این راستا، روابط دو کشور را در هاله ای از رقابت قرار داد. در واقع، فرسایش روزافزون دوستی ایران و ترکیه نتیجه بلندپروازی های منطقه ای دو کشور است. روابط میان ایران و ترکیه نشان دهنده وجود تناوبی از همکاری و تعارض است که گاه رابطه را به سمت همکاری و گاه به تعارض می کشاند (پوردست، ۱۳۹۸: ۱۴۴). شجره اختلاف ها و دغدغه های ایران و ترکیه در جدول ۳ خلاصه شده است.

۵. روش شناسی

این تحقیق با رویکرد آینده پژوهی طراحی شده و به لحاظ روشی، هسته اصلی آن تحلیل ساختاری است که از روش های متنوعی در بخش های مختلف آن استفاده شده است. از دیدگاه وندل بل، در آینده پژوهی مطالعه نظام مند، کشف، ابداع، عرضه، آزمون و ارزیابی آینده های ممکن، محتمل و مطلوب دنبال می شود. در آینده پژوهی انتخاب های مختلفی راجع به آینده فراروی افراد و سازمان ها قرار می گیرد و در انتخاب و پی ریزی مطلوب ترین آینده به آن ها کمک می کند (Bell, 2003: 73). در آینده پژوهی با آینده ای منفرد مواجه نیستیم، بلکه با طیف متنوعی از آینده ها روبه روییم که برای کسب نتایج مثبت و حداکثری، باید هم زمان به تمامی آن ها توجه داشته باشیم. مهم ترین ابزار آینده پژوهی، بهره گیری از روش های متنوع و چندگانه است. بنابراین، پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت کمی است و از روش تحلیل تأثیر متقاطع برای بررسی اهداف پژوهش استفاده شده است. تحلیل تأثیر متقاطع بر پایه این مفروض است که تحلیل تک عاملی در واقعیت وجود ندارد و شبکه ای از متغیرها در هر پدیده وجود دارند که از طریق برهم کنش وضعیت آن پدیده را تشریح می کنند؛ بنابراین، در تحلیل اثر متقاطع سعی می شود تا روابط بین رویدادها و متغیرها به هم مرتبط شود. این روابط، سپس نسبت به هم طبقه بندی می شوند و برای تعیین اینکه کدام رویدادها در وقوع پدیده ای خاص اثر بیشتری دارند، اولویت بندی می شوند.

جدول ۳. شجرهٔ اختلاف‌ها و دغدغه‌های ایران و ترکیه

حوزه	نگرانی ایران	نگرانی ترکیه	نگرانی مشترک
سیاسی	• نگرانی از ترویج مدل نظام سیاسی اسلامی سکولار • ترکیه در منطقه و نخبگان سیاسی کشور • بحران جغرافیای سیاسی و آشوب‌ها در سوریه، عراق و دیگر کشورها • صدور قطعنامه‌های شورای امنیت، و نداشتن کرسی در سازمان‌های مهم بین‌المللی	• ترویج ایدئولوژی انقلاب اسلامی در کشور خود و سایر کشورهای منطقه • نفوذ ایران بر رهبران اقلیم کردستان • قدرت و نفوذ ایران در کشورهای همسایهٔ ترکیه، به‌ویژه در سوریه و عراق	• گروه‌های مخالف خارج‌نشین، به‌ویژه در امریکا، نوری‌ها به رهبری گولن و خاندان پهلوی و رجوی • جلوگیری از تجزیه‌طلبی کردهای در منطقه
جغرافیای اقتصادی	• تحریم‌های گسترده در حوزهٔ بانکی، بیمه، نظامی و مصادرهٔ درآمدهای کشور در خارج از مرزها • پیوست انرژی ترکیه با کشورهای همسایه، مانند خط لولهٔ باک و تفلیس-جیحان	• تحریم‌های تسلیحاتی بین‌المللی، مانند کاتسا • کاهش شدید صنعت گردشگری پس از شیوع کرونا و به‌دنبال آن افت تولید ناخالص داخلی	• کاهش ارزش پول ملی (ریال و لیر) • قاچاق کالا، فساد و پول‌شویی • کم‌رونق شدن بازارچه‌های مرزی، به‌ویژه پس شیوع بیماری کرونا
جغرافیای راهبردی	• حضور قدرت‌های مداخله‌گر، به‌ویژه آمریکا در خاک ترکیه • عضویت ترکیه در پیمان ناتو و تجاوزهای ترکیه به خاک کشورهای منطقه، به‌ویژه سوریه و عراق	• حمایت ایران از محور مقاومت در سوریه و عراق	• حضور مداخله‌گر آمریکا در سوریه به بهانهٔ حمایت از کردها
زیست‌بوم	• خشک‌شدن تالاب‌ها و گسترش ریزگردها • به‌علت طرح گاپ ترکیه	• استفاده از سوخت زغال‌سنگ برای تأمین انرژی و آلودگی‌های مترصد از آن	• آلودگی هوا در کلان‌شهرها • گرم‌شدن کرهٔ زمین و تغییر اقلیم

حوزه	نگرانی ایران	نگرانی ترکیه	نگرانی مشترک
	• پایگاه‌های موشکی اتمی آمریکا در ترکیه (اینجریلیک)		
جغرافیا و	• سدسازی ترکیه در مسیر رودخانه مرزی	• ادعای حاکمیت کشورهای همسایه،	• قرارگرفتن سرزمین کشور در فضای حائل
جغرافیای	• اختلاف‌های ارضی و مرزی در میل‌های مرزی	• به‌ویژه یونان بر سر جزایر دریای اژه	• حضور قدرت‌های مداخله‌گر در تنگه‌های
سیاسی	• ۳۹-۴۰-۷۰ در مرزهای غربی		• بین‌المللی دو کشور در ادوار تاریخ
	• ادعای رهبری سازه سنی مدرن ترکیه در منطقه با محوریت عثمانی‌گرایی	• رهبری سازه شیعی ایران در منطقه غرب آسیا	• رقابت تاریخی بر سر رهبری سازه تمدنی منطقه
جغرافیای	• گسترش ایدئولوژی پان‌ترکیسم، به‌ویژه در	• قدرت‌گرفتن و افزایش وزن گروه اقلیت	• گسترش قاچاق مواد مخدر و ترانزیت آن از
فرهنگی	• استان‌های ترک‌نشین ایران	• هم‌کیش، هم‌زبان و هم‌فرهنگ در کشور رقیب	• مرز ترکیه به اروپا
	• قدرت‌گرفتن و افزایش وزن گروه اقلیت	• جمعیت ۳۰ درصدی علویان شیعی در ترکیه	• ورود مهاجران و آوارگان بین‌المللی، به‌ویژه هنگام
	• هم‌کیش، هم‌زبان و هم‌فرهنگ در کشور رقیب		• وقوع بحران‌های جغرافیای سیاسی در کشورهای همسایه، مانند افغانستان و سوریه

منبع: (علمدار، ۱۴۰۰: ۲۵۲-۲۵۴)

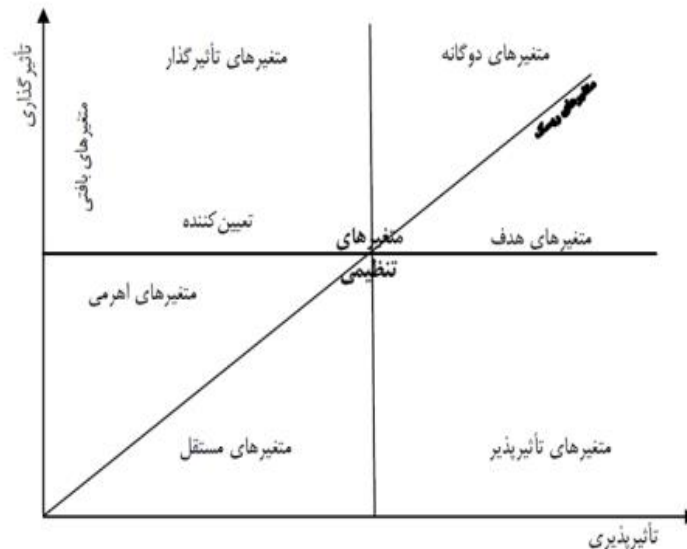
بر این اساس، مبانی روشی پژوهش تحلیل تأثیر متقاطع برای بررسی روابط ایران و ترکیه استفاده شد تا با استفاده از روش آینده‌پژوهانه تأثیر هریک از این متغیرها بر روابط متقابل دو کشور در آینده محتمل مشخص شود. برای تحقق این هدف، از نرم‌افزار میک‌مک در تحلیل تأثیر متقاطع استفاده شد. تحلیل تأثیر متقاطع بر پایه این مفروض است که رویدادها و فعالیت‌ها در خلأ رخ نمی‌دهند و سایر رویدادها و محیط پیرامون به‌طرز چشمگیری به‌احتمال رخداد وقایع معین تأثیر می‌گذارند؛ بنابراین، در تحلیل اثر متقاطع سعی می‌شود تا روابط بین رویدادها و متغیرها را به‌هم مرتبط ساخت و عوامل مؤثر بر آینده را شناسایی کرد. این روابط، سپس نسبت به‌هم طبقه‌بندی می‌شوند و برای تعیین اینکه کدام رویدادها در وقوع پدیده‌ای خاص در آینده اثر بیشتری دارند، اولویت‌بندی می‌شوند؛ بنابراین، هدف پژوهش حاضر با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک، شناسایی مهم‌ترین متغیرهای مؤثر در روابط ایران و ترکیه بود.

مراحل تحلیل ماتریس متقاطع با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک به شرح زیر است:

- تهیه فهرست متغیرهای دخیل بر واقعه‌ای خاص،
- تهیه ماتریس قطری Π در Π به تعداد متغیرها. سطرها معرف میزان اثرگذاری و ستون‌ها معرف میزان وابستگی هر متغیر است.
- کسب نظر خبرگان درباره هر متغیر. این تأثیر با عددی در مقیاس ۰ تا ۳ مشخص می‌شود: ۰ بی‌تأثیر، ۱ تأثیر کم، ۲ تأثیر متوسط، و ۳ تأثیر زیاد (صحرائی، ۱۴۰۴: ۱۴).
- رسم روندها روی نمودار و تعیین متغیرها بر اساس اولویت اثرگذاری (شکل ۱).

خروجی نرم‌افزار عوامل کلیدی مؤثر را برای تعیین نبود قطعیت‌ها به‌منظور ترسیم سناریوهای مورد نظر ممکن می‌کند. در مجموع، متغیرها دو نوع تأثیر مستقیم و غیرمستقیم دارند که در ادامه بررسی می‌کنیم. در تحلیل صفحه پراکندگی می‌توان پنج گروه از متغیرها را در سیستم شناسایی کرد:

- الف) متغیرهای تأثیرگذار،
- ب) متغیرهای دوگانه،
- پ) متغیرهای مستقل،
- ت) متغیرهای تأثیرپذیر،
- ث) متغیرهای تنظیمی (رنجبر حیدری و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰).



شکل ۱. نمای توزیع متغیرها در نرم افزار میک مک

این متغیرها در شکل ۱ نشان داده شده است. متغیرهای خطر در این شکل، همان عوامل کلیدی موفقیت هستند. تحلیل متغیرهای این شکل از نظر اعمال شرایط و تعیین ناسازگارها و حذف متغیرهای غیرمؤثر با نرم افزار میک مک انجام می شود. بدین منظور، نخست متغیرهای تحقیق بر اساس مطالعه از مجموعه پژوهش های صورت گرفته و در دسترس در حوزه روابط ایران و ترکیه استخراج شد. سپس، بر اساس مبانی تحلیل میک مک و مبنا قراردادن پاسخ کارشناسان و متخصصان برای تحلیل، پرسشنامه هدفمندی تهیه و در اختیار متخصصان و کارشناسانی قرار گرفت. این افراد طی یک دهه گذشته پژوهشی در خصوص مسئله روابط ایران و ترکیه منتشر کرده بودند. درنهایت، با استفاده از نرم افزار میک مک برهم کنشی متغیرها و اثر آنها بر روابط ایران و ترکیه بررسی شد. بنابراین، متغیرهایی که در پژوهش های پیشین عوامل مؤثر معرفی شدند در این پژوهش با رویکرد آینده پژوهانه تحلیل شدند تا از طریق تحلیل اثر متقاطع مهم ترین عوامل مؤثر شناسایی شوند.

۶. یافته ها

در جدول ۴، فهرست متغیرهای انتخاب شده و تأثیر محتمل آنها در آینده بر

روابط دو کشور ایران و ترکیه آمده است. در خور ذکر است که تمامی متغیرها در پرسشنامه طراحی شده رویکرد آینده‌پژوهانه دارند؛ بدین معنا که از پژوهشگران خواسته شده است با تصور وقوع هریک از متغیرها در آینده، اثر آن را پیش‌بینی کنند. براین اساس، با مطالعه پژوهش‌های صورت گرفته با موضوع ترکیه، ۱۲ متغیر با بیشترین تأثیرگذاری مشخص شد.

جدول ۴. نام و نماد متغیرهای استخراج شده

دریف	برچسب تفصیلی	برچسب کوتاه
۱	نزدیکی جغرافیایی و ارتباطات	A
۲	ساختار منطقه‌ای	B
۳	تجربه تاریخی روابط متقابل	C
۴	نقش قدرت‌های بزرگ و مداخله‌های خارجی در منطقه	D
۵	اختلاف‌های قومیتی دو کشور	E
۶	تقابل سیاست خارجی دو کشور	F
۷	اختلاف‌ها و تداخل‌های ایدئولوژیکی	G
۸	اشتراک‌های فرهنگی	H
۹	ترجیح‌های امنیتی	I
۱۰	اهمیت جغرافیای سیاسی منطقه	J
۱۱	وابستگی‌های متقابل اقتصادی و تجاری	K
۱۲	پویایی روابط دیپلماتیکی دو کشور	L

در ادامه، تأثیر این متغیرها را بر یکدیگر بررسی می‌کنیم. بدین منظور، پرسشنامه‌ای تهیه شد و در اختیار کارشناسان این حوزه قرار گرفت. داده‌های استخراج شده از پرسشنامه در نرم‌افزار میک‌مک وارد شد (شکل ۲ تا ۴). هرچه درصدها بزرگ‌تر باشد، نشان‌دهنده میزان سازگاری بیشتر و منطقی بودن رابطه بین متغیرهاست. ماتریس بر اساس شاخص‌های آماری با دو بار تکرار داده‌ای، مطلوبیت و بهینه‌شدگی ۱۰۰ درصد داشت. این موضوع نیز روایی بالای پرسشنامه و پاسخ‌های آن را نشان می‌دهد.

مدل نهایی تقاطع تمامی متغیرها در شکل ۵ به تصویر کشیده شده است و نحوه قرارگیری متغیرها در موقعیت موردنظر را نمایش می‌دهد.

	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12
1: A	0	0	2	1	3	2	2	2	3	2	3	3
2: B	1	0	2	2	1	2	2	2	3	2	2	3
3: C	2	2	0	1	2	2	2	2	2	2	2	2
4: D	2	3	1	0	2	2	3	2	3	3	3	3
5: E	1	1	3	1	0	2	2	1	3	2	2	2
6: F	2	2	3	2	2	0	2	2	2	2	2	2
7: G	3	3	3	2	2	2	0	3	3	2	1	2
8: H	2	1	2	1	2	2	2	0	2	1	1	1
9: I	3	3	3	2	3	3	3	3	0	2	3	3
10: J	2	3	2	2	1	3	2	2	3	0	2	3
11: K	2	1	2	1	1	1	1	1	1	1	0	2
12: L	2	1	1	2	1	2	1	2	2	2	3	0

۰ = بی تأثیر ۱ = کم تأثیر ۲ = تأثیر گذار ۳ = بسیار تأثیر گذار

شکل ۲. میزان تأثیر متغیرها بر یکدیگر؛ سطرها معرف میزان تأثیر گذاری و ستون‌ها معرف میزان تأثیر پذیری متغیرهاست.

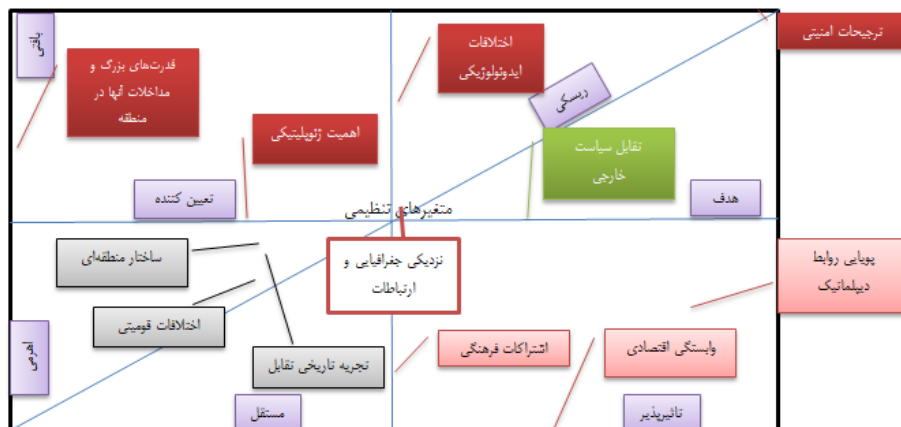
N°	Variable	Total number of rows	Total number of columns
1	A	23	22
2	B	22	20
3	C	21	24
4	D	27	17
5	E	20	20
6	F	23	23
7	G	26	22
8	H	17	22
9	I	31	27
10	J	25	21
11	K	14	24
12	L	19	26
	Totals	268	268

شکل ۳. میزان تأثیر گذاری و تأثیر پذیری متغیرها

Iteration	Influence	Dependence
1	96 %	95 %
2	100 %	100 %

شکل ۴. درجه پرشدگی و روایی یافته‌ها

خروجی نرم‌افزار از متغیرهای مؤثر بر روابط ایران و ترکیه حاکی از آن است که از میان دوازده متغیر انتخابی، دو متغیر در گروه متغیرهای تأثیرگذار قرار دارند، دو متغیر در گروه متغیرهای ریسکی، یک متغیر هدف شناسایی شده، سه متغیر در گروه متغیرهای اهرمی، و در نهایت سه متغیر نیز در گروه متغیرهای تأثیرپذیر قرار گرفتند.



شکل ۵. توزیع متغیرها

بر اساس ویژگی نخست، طبق این نقشه و بر اساس نحوه توزیع متغیرها، متغیر «قدرت‌های بزرگ و مداخله‌های آن‌ها در منطقه» متغیر بافتی یا بسیار تأثیرگذار شناسایی شد. این امر به‌طور ویژه‌ای به عضویت ترکیه در ناتو و لزوم پذیرش سیاست‌های آن بازمی‌گردد. علاوه بر آن، تلاش ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا نیز الزام‌هایی را تحمیل کرده است که سبب شده است مداخله سایر کشورها در سیاست‌های منطقه‌ای این کشور افزایش یابد. در مجموع، این متغیر یکی از مهم‌ترین پیشران‌ها در روابط ایران و ترکیه شناسایی شده است.

در همین گروه و به‌عنوان متغیر تعیین‌کننده، «اهمیت جغرافیای سیاسی روابط ایران و ترکیه» شناسایی شده است که برخلاف متغیر مداخله قدرت‌های بزرگ که عامل منفی محسوب می‌شود، بر اهمیت روابط فی‌مابین و در جایگاه عاملی اساسی در تحولات جغرافیای سیاسی منطقه غرب آسیا تأکید دارد. به‌بیان دیگر، وضعیت جغرافیای سیاسی منطقه و اهمیت روابط بین ایران و ترکیه در تعیین وضعیت آن، عاملی تعیین‌کننده و پیشران اصلی گسترش روابط بین دو کشور محسوب می‌شود.

در گروه متغیرهای دوجهی، سه متغیر شناسایی شده است که در دو زیرگروه قرار دارند. متغیر «اختلاف‌های ایدئولوژیکی» یکی از متغیرهای زیرگروه خطر است؛ بدین معنا که پافشاری بر آن و پررنگ کردن این متغیر در روابط دوجانبه دارای خطر خواهد بود و ممکن است به تیرگی روابط دوجانبه منتهی شود. همچنین، باید توجه داشت که این متغیر در مرز بین متغیرهای ریسکی و تعیین‌کننده وجود دارد و تمرکز طرفین بر اختلاف‌ها ممکن است به عاملی

تعیین‌کننده در روابط دوجانبه تبدیل شود. در این صورت به دومین پیشران منفی در روابط دوجانبه تبدیل خواهد شد.

«ترجیحات امنیتی» دومین متغیر در زیرگروه متغیرهای ریسکی است که فاصله بسیار زیادی با سایر متغیرها دارد. به‌همین دلیل، پرخطرترین متغیر در سیستم شناسایی شده است؛ بر این اساس و با توجه به ترجیح‌های امنیتی متمایز و حتی متضاد طرفین در منطقه، این متغیر توانایی برهم‌زدن تعادل سیستم و کاهش روابط طرفین را داراست. به همین دلیل، باید بدان توجه ویژه‌ای شود و با ایجاد تعادل در ترجیح‌های امنیتی طرفین، میزان خطر این متغیر را کاهش داد.

باین‌حال، در گروه متغیرهای دوجهی و زیرگروه متغیرهای هدف، عاملی که در کوتاه‌مدت سبب می‌شود شرایط بهتر شود نیز شناسایی شده است: «تقابل سیاست خارجی» ایران و ترکیه. بر این اساس و با هدف کاهش اثر خطر متغیرهای ریسکی، سیاست خارجی دو کشور متغیری شناسایی شده است که توانایی کاهش خطر سایر متغیرها و درعین‌حال بهبود روابط دو کشور را داراست و تمرکز بر آن در کوتاه‌مدت توازن سیستم را افزایش خواهد داد.

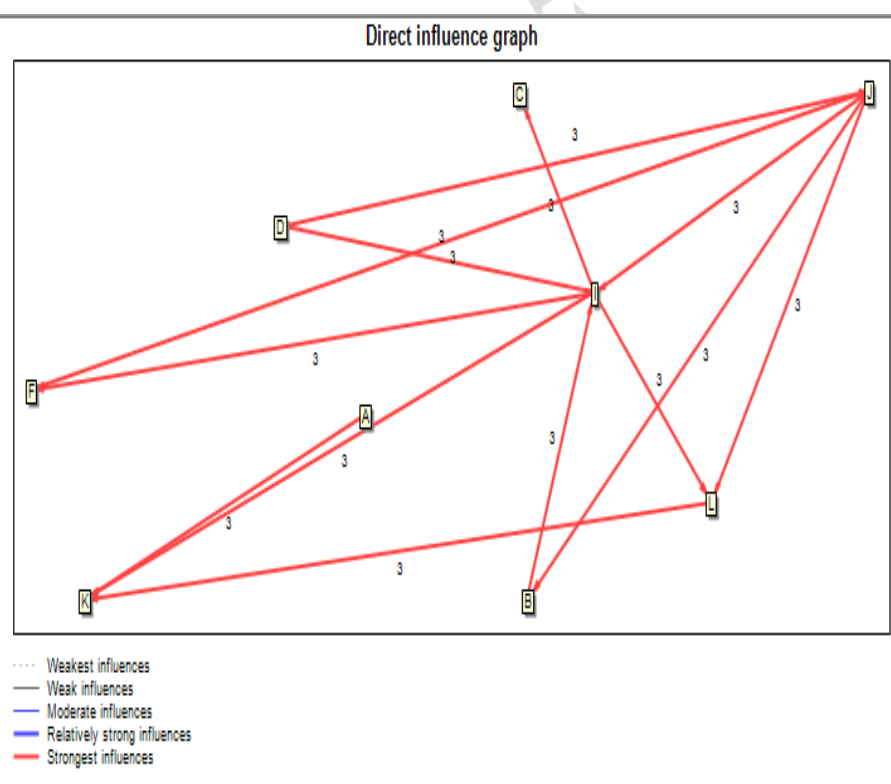
در گروه متغیرهای اهرمی (ثانویه) سه متغیر «اختلافات قومیتی»، «تجربه تاریخی»، «تقابل و ساختار منطقه‌ای» بر این امر تأکید دارند که بر روابط دوجانبه اثر داشته‌اند، اما در حال حاضر بی‌تأثیر هستند.

در گروه متغیرهای تأثیرپذیر سه متغیر قرار گرفته‌اند: «وابستگی اقتصادی و تجاری»، «اشتراک‌های فرهنگی» و «پویایی روابط دیپلماتیکی». بر اساس تعریف مفهومی، این گروه از متغیرها متغیرهای وابسته سیستم شناخته می‌شوند. به‌همین دلیل، منشأ اثر و ایجاد تغییر در سیستم نیستند؛ لذا، بیشترین تغییرات در آن‌ها رخ خواهد داد. به بیان دیگر، در نتیجه تأثیرگذاری متغیرهای تأثیرگذار (مداخله قدرت‌های بزرگ و اهمیت جغرافیای سیاسی) و متغیرهای ریسکی (اختلاف‌های ایدئولوژیکی و ترجیح‌های امنیتی)، سه متغیر به عواملی تأثیرپذیر تبدیل شده‌اند و در روابط آینده دو کشور تأثیری ندارند. باید توجه داشت که روابط تجاری، اشتراک‌های فرهنگی و پویایی روابط دیپلماتیکی نتیجه شرایط فعلی است و تأثیرگذاری خود را از دست داده است.

مهم‌ترین بخش در تحلیل آثار متقاطع (متغیرهای تنظیمی) نیز در این سیستم دارای متغیر است: «نزدیکی جغرافیایی». بر اساس تحلیل صورت‌گرفته، همسایگی دو کشور عاملی تنظیمی است که تمرکز بر آن سبب می‌شود تا روابط

دو کشور بهبود یابد، چراکه هرگونه ناامنی یا مسائل امنیتی در کشورهای همسایه، براساس اصل دومینوی ناامنی، به سرعت به کشورهای همسایه تسری می‌یابد. به همین دلیل نیز این همسایگی اثر تنظیمی دارد. به علاوه، دو کشور گروه‌های قومی و زبانی مشترکی دارند که وقوع واگرایی در آن‌ها برای هر دو خطرناک است و یکپارچگی سرزمینی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، سیاست همسایگی مهم‌ترین متغیر شناسایی شده است.

در شکل ۶ ارتباط متغیرها بر اساس اهمیت ۱۰ درصد نشان داده شده است.



شکل ۶. نمودار پراکندگی متغیرها بر اساس ۱۰ درصد روابط مهم

۱۰ درصد مهم‌ترین متغیرها در میان دوازده متغیر مؤثر بر روابط ایران و ترکیه حاکی از آن است که «شرایط همسایگی» (نزدیکی جغرافیایی) تنها عاملی است که صرفاً تأثیرگذار بر سایر متغیرهاست. همچنین، دو متغیر «ترجیح‌های امنیتی» و «اهمیت جغرافیای سیاسی» منطقه بیشترین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را دارد. درعین حال، سه متغیر «اختلاف‌های قومیتی»، «اختلاف‌های ایدئولوژیکی» و «اشتراک‌های فرهنگی» در مهم‌ترین روابط میان دو کشور اثری ندارند.

۷. نتیجه‌گیری

تمرکز و هدف پژوهش حاضر بر تبیین عوامل و پیشران‌های کلیدی آینده روابط ایران و ترکیه تا سال ۲۰۳۵م بوده است. در آینده‌پژوهی، شناسایی روابط بین متغیرها که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر هم اثر می‌گذارند اهمیت بسیاری دارد. در مقاله حاضر، تلاش شده است به این پرسش پاسخ داده شود که عوامل و پیشران‌های کلیدی آینده روابط ایران و ترکیه در افق زمانی ۲۰۳۵م کدام هستند؟ در پاسخ، از ترکیب روش‌های مرور منابع، دلفی، پانل خبرگی و ماتریس تحلیل آثار متقاطع با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک بهره گرفته شد. در این پژوهش، از ۲۰ کارشناس و خبره در موضوع نظرخواهی شد. از میان ۹۷ پیشران شناسایی شده بر آینده روابط ایران و ترکیه در افق ده‌ساله، تعداد ۱۲ پیشران نهایی انتخاب و بر اساس مبانی روش‌شناختی پژوهش تحلیل تأثیر متقاطع برای بررسی روابط ایران و ترکیه استفاده شد تا با رویکردی آینده‌پژوهانه تأثیر هریک از ۱۲ پیشران در روابط متقابل دو کشور در آینده محتمل مشخص شود.

تحلیل تأثیر متقاطع بر پایه این مفروض است که رویدادها و فعالیت‌ها در خلأ رخ نمی‌دهند و سایر رویدادها و محیط پیرامون به‌طرز چشمگیری به‌احتمال رخداد وقایع معین تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، در تحلیل اثر متقاطع سعی می‌شود تا روابط بین رویدادها و متغیرها را به‌هم مرتبط ساخت و شناسایی عوامل مؤثر بر آینده را ممکن کرد. این روابط، سپس نسبت به‌هم طبقه‌بندی می‌شوند و اولویت‌بندی بر این اساس صورت می‌پذیرد که کدام رویداد در وقوع پدیده‌ای خاص در آینده اثر بیشتری دارد.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که از میان دوازده متغیر انتخابی، دو متغیر در گروه متغیرهای تأثیرگذار یا بافتی (مداخله قدرت‌های بزرگ و اهمیت جغرافیای سیاسی) به‌عنوان متغیرهای تعیین‌کننده قرار دارند، دو متغیر در گروه متغیرهای ریسکی (اختلاف‌های ایدئولوژیکی و ترجیح‌های امنیتی)، یک متغیر (تقابل سیاست خارجی) به‌عنوان هدف و یک متغیر تنظیمی (نزدیکی جغرافیایی و ارتباطات) شناسایی شده‌اند. همچنین، سه متغیر در گروه متغیرهای اهرمی (اختلاف‌های قومیتی، تجربه تاریخی، تقابل و ساختار منطقه‌ای) و در نهایت سه متغیر (وابستگی اقتصادی و تجاری، اشتراک‌های فرهنگی و پویایی روابط دیپلماتیکی) نیز در گروه متغیرهای تأثیرپذیر قرار گرفتند. ۱۰ درصد مهم‌ترین متغیرها در میان دوازده متغیر مؤثر بر روابط ایران و ترکیه حاکی از آن است که

شرایط همسایگی (نزدیکی جغرافیایی) تنها عاملی است که صرفاً بر سایر متغیرها تأثیرگذار است.

بر اساس تحلیل صورت گرفته، همسایگی دو کشور عاملی تنظیمی است که تمرکز بر آن سبب می‌شود تا روابط دو کشور بهتر شود، چراکه هرگونه ناامنی یا مسائل امنیتی در کشورهای همسایه، بر اساس اصل دومینوی ناامنی، به سرعت به کشورهای همسایه تسری می‌یابد. به همین دلیل نیز این همسایگی اثر تنظیمی دارد. به علاوه، دو کشور گروه‌های قومی و زبانی مشترکی دارند که وقوع واگرایی در آن‌ها برای هر دو خطرناک است و یکپارچگی سرزمینی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، سیاست همسایگی مهم‌ترین متغیر شناسایی شد. همچنین، دو متغیر ترجیح‌های امنیتی و اهمیت جغرافیای سیاسی منطقه بیشترین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را داشت. درعین حال، سه متغیر اختلاف‌های قومیتی، اختلاف‌های ایدئولوژیک و اشتراک‌های فرهنگی در روابط میان دو کشور اثر چندانی ندارند.

۸. پیشنهادها

بر مبنای نتایج به دست آمده و اهمیت زیاد پیشران‌های کلیدی احصاشده، استفاده و تمرکز بر آن‌ها به منظور سیاست‌گذاری و تدوین چشم‌اندازی روشن در تعمیق و گسترش مناسبات راهبردی جمهوری اسلامی ایران با کشور ترکیه، کمک‌کننده و در ساخت آینده مطلوب دو کشور مؤثر است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در تحقیق‌های آتی، ضمن احصای شاخص‌ها و متغیرهای مؤثر بر هر دوازده پیشران کلیدی ذکر شده، به طور جداگانه و با استفاده از نرم‌افزار سناریونویسی، سناریوهای محتمل آینده روابط ایران و ترکیه پیش‌بینی شود.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

اصول اخلاقی

نویسنده در انتشار این مقاله، به طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته است؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسنده است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته است. تألیف این مقاله به هوش مصنوعی داده نشده است.

دست‌رسي به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر درخصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مکاتبه فرمایید.

منابع

- پوردست ز. (۱۳۹۸). *طراحی الگوی حاکم بر روابط ایران و ترکیه*. رساله دکتری روابط بین‌الملل. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- پوردست ز، احمدی‌پور ز، شفائی موسوی م. (۱۴۰۴). «طراحی الگوی همکاری حاکم بر رابطه ایران و ترکیه». *مجله ایرانی مطالعات آسیا*. doi: 10.22099/ijas.2025.52574.1030
- توحیدیان ع، جعفری‌زاد ع، پراژنگ ا، حسینی ر. (۱۴۰۱). «تدوین سناریوهای آینده روابط امنیتی ایران و ترکیه با روش سناریو ویزارد». *آینده‌پژوهی/انقلاب/اسلامی*. ۳(۳): ۸۳-۱۱۳. <https://doi.org/10.22099/ijas.2025.52574.1030>
- توماج ا. (۱۴۰۰). *تحلیل گفتمان سیاست خارجی ج.ا.ا و ترکیه پس از روی کار آمدن حزب عدالت توسعه*. رساله دکتری روابط بین‌الملل. دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهرود، ایران.
- جانسیز ا، صالحیان ت. (۱۳۹۵). «نگاه نو به رقابت ایران و ترکیه در کسب قدرت منطقه‌ای». *فصلنامه پژوهش‌های بین‌الملل*. ۱۹(۱): ۱۴۳-۱۷۶. https://www.iisajournals.ir/article_45831.html
- چاغاتای س. (۱۴۰۲). *سلطان خزان؛ تأملی در آینده سیاسی ترکیه*. ترجمه علی کالیراد. تهران: نگارستان اندیشه.
- حسین‌زاده و، نصیری لتوم ب. (۱۴۰۳). «رقابت ایران و ترکیه در راه‌گذرهای منطقه قفقاز». *مطالعات اوراسیای مرکزی*. ۱۷(۲): ۹۳-۱۲۳. doi: 10.22059/jcep.2025.381166.450249
- خیری ع. (۱۳۹۹). *بررسی چشم‌انداز فرایند توسعه سیاسی در ایران و ترکیه*. رساله دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران). دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، ساری، ایران.
- رنجبر حیدری و، قربانی ا، سیمبر ر، حاجیانی ا. (۱۳۹۵). «شناسایی و تبیین عوامل و پیشران‌های مؤثر بر روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس در افق ده ساله با بهره‌گیری از روش میک‌مک». *فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی*. ۱(۲): ۷-۳۷. <https://doi.org/10.22054/qps.2019.27026.1805>
- ساعی ز. (۱۳۹۸). *تبیین مناسبات ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه از منظر ژئوپلیتیک*. رساله دکتری جغرافیای سیاسی. دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
- ساعی ا، محمدزاده م. (۱۳۹۲). «روابط ایران و ترکیه از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲: یادآور احیای رقابت تاریخی». *مطالعات سیاسی*. ۵(۱۹): ۱-۲۴. <https://sanad.iau.ir/Journal/jourm/Article/960326>
- صحرايي ع. (۱۴۰۴). «شناسایی و تبیین پیشران‌های اصلی تأثیرگذار بر بحران یمن». *فصلنامه*

- مطالعات کشورها. ۳(۳): ۶۱۳-۶۴۴. <https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.388919.1227>.
- عظیم‌زاده م، مسعودنیا ح، امام‌جمعه‌زاده ج. (۱۳۹۶). «سازهانگاره سیاست خارجی نوین ترکیه و رقابت با ج.ا.ا». *مطالعات روابط بین‌الملل*. ۳۸(۲): ۹۵-۱۲۸. https://journals.iau.ir/article_532876.html
- علمدار ا. (۱۴۰۰). «ارائه الگوی بهینه روابط دوجانبه مبتنی بر علایق و نگرانی‌های ژئوپلیتیکی؛ نمونه موردی: روابط ایران-ترکیه». رساله دکتری جغرافیای سیاسی. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- کولایی ا، نبوی م. (۱۳۹۹). «عوامل فرهنگی مؤثر بر روابط ایران و ترکیه». *فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*. ۲(۴): ۱۶۰-۱۸۴. https://journal.iwfs.com/article_113112.html
- گل‌محمدی و. (۱۳۹۷). *چشم‌انداز روابط ایران و ترکیه در افق ۲۰۲۵*. تهران: دانشگاه پژوهشگاه عالی دفاع ملی.
- مختاری ب، منتظری ح. (۱۳۹۱). «بررسی الگوهای تضاد و همکاری در روابط ایران و ترکیه». *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*. ۵۲ و ۵۳ (۴ و ۳): ۱۶۹-۲۱۸. https://www.hfjournal.ir/article_83039.html
- موسوی م. (۱۳۹۹). «الگوهای تضاد و همکاری در روابط ایران و ترکیه در دوره دولت اردوغان در چارچوب سازهانگاری». *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. ۱۰(۴): ۱۷۹-۲۰۹. doi: [10.23222980.1399.10.4.8.5](https://doi.org/10.23222980.1399.10.4.8.5)
- نبوی م، صفوی ح، کوشکی م. (۱۳۹۹). «تدوین سناریوهای روابط ایران و ترکیه در افق ۱۴۰۸». *آینده پژوهی دفاعی*. ۵(۱۸): ۷-۳۶. <https://doi.org/10.22034/dfsr.2021.141522.1441>
- نیاکویی ا، رضاپور د، فاضلی س. (۱۳۹۷). «نظریه نقش و رقابت ایران و ترکیه در خاورمیانه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه». *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. ۸(۲): ۲۳-۴۸. <https://priw.ir/article-1-479-fa.html>
- یارمحمدیان ح، امیدی ع، ابراهیمی ش. (۱۳۹۶). «دامنه و افق مناسبات ایران و ترکیه (۲۰۱۱-۲۰۲۱)». *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*. ۳۱(۲): ۵۷-۸۶. https://journals.iau.ir/article_594799.html
- یزدانی م، صفوی ی، متقی ا، حاتمی ح، مرادیان م. (۱۳۹۹). «عوامل واگرایی و همگرایی اقتصادی مؤثر بر روابط ج.ا.ا با ترکیه». *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*. ۱۸(۷۹): ۵-۲۸. doi: [10.20084897.1399.18.79.1.7](https://doi.org/10.20084897.1399.18.79.1.7)

- Akbarzadeh Sh, Barry J. (2016). "Iran and turkey: not quite enemies but less than friends". *Third World Quarterly*. 38(4): 980-995. <https://www.jstor.org/stable/26156155>.
- Akif Kumral M. (2020). "Introduction: Historical psychology of Turkey-Iran neighborhood relations". In book: *Exploring Emotions in Turkey-Iran Relations*. 1-67. DOI: 10.1007/978-3-030-39029-7_1
- Alamdard E. (2021). *Representing an optimum pattern for bilateral relations based on geopolitical interests and concerns. Case: Iran-Turkey relations*. PhD Thesis in Political Geography. Faculty of Humanities, Taebiat Modares University, Tehran, Iran. [in Persian]
- Aras B. (2009). "The Davutoğlu era in Turkish foreign policy". *Insight Turkey*. 11(3): 127-142. <https://www.jstor.org/stable/26331107>.
- Azimzadeh M, Masoudnia H, Imamjomezadeh J. (2017). "The structuralism of

- Turkey's new foreign policy and competition with the Iran". *Studies of International Relations Journal*. 38(2): 95-128. https://journals.iau.ir/article_532876.html. [in Persian]
- Bell W. (2003). "What do mean by future studies?". Slaughter R. (Ed.). *New Thinking for a New Millennium*. London: Rutledge. 3-25. <https://www.jstor.org/stable/pdf/resrep05909.8.pdf>.
- Çetinsaya G. (2003). "Essential friends and natural enemies: The historic roots of Turkish Iranian relations". *Middle East Review of International Affairs*. 7(3): 116-132. https://ciaotest.cc.columbia.edu/olj/meria/meria03_ceg01.pdf.
- Charounatki M. (2018). *Iran and Turkey, International and Regional Engagement in the MiddleEast*. New York: I.B.Tauris & Co. Ltd.
- Chiu D. (2003). "International alliance in the power cycle theory of state of behavior". *International Political Science Reviw*. 24(1): 123-136. <https://www.jstor.org/stable/1601334>.
- Doran ChF. (2012). "Power cycle theory and the ascendance of China". *SAIS Review of International Affairs*. 32(1): 73-87. <https://www.jstor.org/stable/27000877>.
- (2003). "Economics, philosophy of history, and the 'single dynamics' of power cycle theory: Expectation, competition and statcraft". *International Political Science Reviw*. 24(1): 13-49. <https://www.jstor.org/stable/1601328>.
- Golmohammadi V. (2018). *Perspectives on Iran-Türkiye Relations Towards 2025*. Tehran: National Defense University and Research Institute. [in Persian]
- Hosseinzadeh V, Nasiri Lotum B. (2025). "Iran and Türkiye's competition in the corridors of the Caucasus". *Journal of Central Eurasia Studies*. 17(2): 93-123. doi: 10.22059/jcep.2025.381166.450249. [in Persian]
- Hulser S. (2013). "Power cycle theory reconsidered; Is China going to destabilize the global order?". *NFG Working Paper Series*. 6: 1-25. <https://refubium.fu-berlin.de/handle/fub188/18819>.
- Jansiz A, Salehiyan T. (2016). "A new look to the competition of Iran and Turkey towards". *International Relations Research Quarterly*. 19(1): 143-176. https://www.iisajournals.ir/article_45831.html. [in Persian]
- Kheyri A. (2021). *The Outlook of Political Development Process in Iran and Turkey*. PhD Thesis in Political Sciences, Faculty of Law and Political Sciences, University of Mazandaran, Sari, Iran. [in Persian]
- Kolaei E, Nabavi SM. (2020). "Cultural factors affecting the futures of Iran-Turkey relations". *Journal of Fundamental and Applied Studies in the Islamic World*. 2(4): 160-184. https://journal.iiwfs.com/article_113112.html. [in Persian]
- Lindensteauss G. (2018). "Turkey and Iran: Two regional powers and the relations pendulum". *JSTOR*. 53-62. <https://www.jstor.org/stable/resrep17021.8>.
- Malici A, Walker SG. (2017). *Role Theory and Role Conflict in U.S.-Iran Relations*. Taylor & Francis. New York: Routledge.
- Mokhtari B, Montazeri H. (2012). "A study of patterns of conflict and cooperation in Iran-Turkey relations". *Quarterly Journal of the History of Foreign Relations*. 52-53 (3-4): 169-218. https://www.hfrjournal.ir/article_83039.html. [in Persian]
- Mosavi S. (2020). "Investigating Iran's foreign relations with the Erdogan government in the framework of structuralism". *Quarterly Journal of Political Research in Islamic World*. 10(4): 179-209. doi: [20.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5](https://doi.org/10.1001.1.23222980.1399.10.4.8.5). [in Persian]
- Nabavi M, Safavi H, Koushki M. (2019). "Developing scenarios for Iran-Türkiye relations in the horizon of 2030". *Defense Futures Studies*. 5(18): 7-36. <https://doi.org/10.22034/dfs.2021.141522.1441>. [in Persian]
- Niakoe SA, Rezapoor D, Fazeli S. (2018). "The role theory and Iran and Turkey's competition in the Middle East during the rule of the justice and development party". *Quarterly Journal of Political Research in Islamic World*. 8(2): 23-48. <https://priw.ir/article-1-479-fa.html>. [in Persian]
- Özcan NA, Özdamar O. (2010). "Uneasy neighbors: Turkish-Iranian relations since the 1979 Islamic revolution". *Middle East Policy*. 17(3): 101-117. <https://doi.org/10.1111/j.1475-4967.2010.00454.x>.

- Pourdast Z. (2019). *Designing the Model of Iran-Turkey Relation*. PhD Thesis in International Relations. Department of Humanities, International Relations Section, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. [in Persian]
- Pourdast Z, Ahmadipour Z, Mousavi Shafae M. (2025). "Designing the model of cooperation Iran-Turkey Relation". *Iranian Journal of Asian Studies*. doi: 10.22099/ijas.2025.52574.1030. [in Persian]
- Ranjbar Heydari V, Ghorbani A, Simbar R, Hajiani E. (2016). "Identifying and explaining the factors and drivers affecting Iran-GCC relations in a ten-year period using the Miq-Maq method". *Quarterly Journal of Defense Futures Studies*. 1(2): 7-37. <https://doi.org/10.22054/qjss.2019.27026.1805>. [in Persian]
- Saei Z. (2019). *Explaining the Relations between Iran and Turkey during the Justice and Development Party from a Geopolitical Perspective*. PhD Thesis in Political Geography. Faculty of Geographical Sciences, Department of Geopolitics, Kharazmi University, Tehran, Iran. [in Persian]
- Saei A, Mohammadzadeh M. (2013). "Relations of Iran -Turkey from 2002 to 2012: Remembering the revival of historical competition". *Political Studies*. 5(19): 1-24. <https://sanad.iau.ir/Journal/jourm/Article/960326>. [in Persian]
- Sahraie A. (2025). "Identifying and explaining the main drivers affecting the Yemeni crisis". *Journal of Countries Studies*, 3(3): 613-644. <https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.388919.1227>. [in Persian]
- Thies C. (2001). "A social psychological approach to enduring rivalries". *Political Psychology*. 22(4): 693-725. <https://www.jstor.org/stable/3792483>.
- Tomaj ASH. (2021). *Discourse Analysis of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran and Turkey after the Establishment of the Justice Justice Party*. PhD Thesis for Ph.D. Orientation: Political Science. Faculty of Humanities, Department of Politica, Islamic Azad University Shahrood Branch, Iran. [in Persian]
- Towhidian A, Jafari Zad AR, Parazhang AA, Hosnavi R. (2023). "Compilation of future scenarios of Iran-Turkey security relations with scenario wizard method". *Future Studies of the Islamic Revolution*. 3(3): 83-113. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27173674.1401.3.3.3.5>. [in Persian]
- Tugal Ch. (2002). "Islamism in Turkey: Beyond instrument and meaning". *Economy and Society*. 31(1): 85-111. https://sociology.berkeley.edu/sites/default/files/faculty/tugal/Islamism_in_Turkey.pdf.
- Walker M. (2013). "The revenge of the Shia". *The Wilson Quarterly*. 30(4): 16-20. <https://www.jstor.org/stable/40261420>.
- Yarmohammadian H, Omid A, Ebrahimi S. (2017). "Scope and horizon of Iran-Turkey relations (2011-2021)". *Quarterly Journal of Political and International Research*. 31(2): 57-86. https://journals.iau.ir/article_594799.html. [in Persian]
- Yazdani H, Safavi SY, Motaghi E, Hatahi H, Moradiyan M. (2020). "The factors of divergence and economic convergence affecting the relations between the Islamic Republic of Iran and Turkey". *Strategic Defence Studies*. 18(79): 5-28. doi: 20.1001.1.20084897.1399.18.79.1.7. [in Persian]